

مدل علی برای ابعاد طرح ارتباطی خانواده، تاب آوری و مهارت مهار خشم با گرایش به خشونت □

Causal Model for Family Communication Patterns, Resilience and Control of Anger with Tendency to Violence □

Soheila Hashemi, PhD
Abbas Akbari, MSc ✉

دکتر سهیلا هاشمی*
عباس اکبری*

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of resilience and control of anger in relationship between family communication patterns dimensions and tendency to violence in high school students. Therefore 287 high school students of Babolsar city were selected by random multi-stage cluster sampling method. To collect data, Family Communication Patterns, Resilience, Scale Control of Anger Questionnaire and Tendency to Violence Scale were used. In order to evaluate the proposed model of this study, path analyze method was used. Regarding the values obtained for the indexes, data were fitted with the proposed model of the research. The general effect showed that the conversation orientation variable has the most effectiveness on the changes of tendency to violence. Calculation of the affectivity degree of independent variables on dependent ones indicates that 12 percent of the changes in resilience variable, 40 percent of changes in control of anger, and 39 percent of changes in tendency to violence variable are explained by the proposed model. Investigating the mediating role of resilience and control of anger in the relationship of family communication pattern and tendency to violence found that resilience have a mediating role in the relationship of conversation dimension of family communication pattern and tendency to violence and control of anger have a mediating role in the relationships of both dimensions of family communication pattern and tendency

Keywords: family communication patterns, resilience, control of anger, tendency to violence

چکیده

پژوهش حاضر باهدف تبیین رابطه علی بین ابعاد الگوی ارتباطی خانواده، تاب آوری و مهار خشم با گرایش به خشونت در نوجوانان صورت گرفت. شرکت کنندگان این پژوهش، ۲۸۷ از دانش آموزان دبیرستان های شهر بابلسر بودند که بر اساس روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. به منظور اندازه گیری متغیرهای پژوهش، ابزارهای طرح های ارتباطی خانواده، تاب آوری، مهار خشم و گرایش به خشونت مورد استفاده قرار گرفتند. برای ارزیابی مدل پیشنهادی، از نرم افزار آموس و از روش تحلیل مسیر استفاده گردید که با توجه به مقادیر شاخص های به دست آمده، داده ها با مدل تحقیق برازش داشت. بررسی اثرات کل نشان داد که جهت گیری گفت و شنود بیشترین تأثیر بر تغییرات گرایش به خشونت داشته است. محاسبه میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته، حاکی از آن بود که ۱۲ درصد از تغییرات، متغیر تاب آوری و ۴۰ درصد از تغییرات، متغیر مهارت مهار خشم و ۳۹ درصد از تغییرات، گرایش به خشونت، توسط مدل تبیین می شود. بررسی نقش واسطه ای تاب آوری و مهارت مهار خشم در رابطه بین طرح های ارتباطی خانواده و گرایش به خشونت نشان داد که تاب آوری در رابطه بین جهت گیری گفت و شنود و گرایش به خشونت و مهارت مهار خشم در رابطه بین هر دو بعد جهت گیری با گرایش به خشونت نقش واسطه ای ایفا می کنند.

کلید واژه ها: طرح های ارتباطی خانواده، تاب آوری، مهارت مهار خشم، گرایش به خشونت، دانش آموزان

□ Department of Psychology University of Mazandaran, Babolsar, I.R.Iran

✉ Email: abbas.akbari47@yahoo.com

□ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۵/۳

* بخش روانشناسی دانشگاه مازندران، بابلسر

● مقدمه

«خشونت»^۱ به عنوان یک پدیده اجتماعی و بخشی از زندگی انسان که به اشکال گوناگونی رخ داده و هزینه‌های زیادی را بر جوامع تحمیل می‌کند (فیرسون و هافلر، ۲۰۱۴)، همواره موجب نگرانی خانواده‌ها، دولت‌ها و نهادهای تعلیم و تربیت بوده و توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود معطوف داشته است. «سازمان بهداشت جهانی»^۲ (۲۰۰۲) در گزارش خود بیان می‌دارد که «خشونت» به عنوان یک معضل جهانی، زندگی، سلامتی و شادکامی انسان‌ها را تهدید می‌کند و هیچ جامعه و کشوری، مصون از این پدیده نیست. بر اساس این گزارش، سالانه تعداد زیادی در سراسر جهان زندگی خود را به دلیل خشونت از دست می‌دهند و تعداد بسیار بیشتری، به واسطه خشونت‌های فیزیکی، جنسی و روانی آسیب می‌بینند.

به لحاظ علمی تعریف دقیقی برای خشونت وجود ندارد اما طیف وسیعی از اعمال، نظیر «خشونت بین فردی»، «خودکشی»، «تهدید و ارباب دیگران»، «واردکردن آسیب روانی به افراد» و «ایجاد محرومیت برای انسان‌ها» (سازمان بهداشت جهانی ۲۰۰۲) و نیز رفتارهای دیگری مانند تجاوز، شکنجه، تخریب اموال، دزدی، ترور و بی‌رحمی نسبت به حیوانات (رایس ۲۰۰۱) را در برمی‌گیرد. نگرانی درباره خشونت نوجوانان، به تلاش‌هایی برای شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده و پیش‌گیری‌کننده آن منجر شده است (فارل و فلانری، ۲۰۰۶). از جمله عواملی که به نظر می‌رسد رابطه نزدیکی با پدیده خشونت داشته باشد و بتواند آن را پیش‌بینی کند، عامل خانواده است (سازمان بهداشت جهانی ۲۰۰۲). مطالعات نشان داده‌اند که نوع روابط والدین با فرزندان در نحوه رفتار آنها مؤثر است (ذبیح‌اللهی، غلامعلی لوسانی و اژه‌ای، ۱۳۹۱).

اشتین‌برگ (۲۰۰۰) بیان می‌دارد که هیچ عاملی به اندازه عامل خانواده در گسترش رفتارهای ضداجتماعی و خشونت‌آمیز فرزندان تأثیر ندارد. در همین راستا، بامریند (۱۹۷۲)؛ به نقل از یعقوبی دوست و عنایت، (۱۳۹۳) بر این اعتقاد است که نحوه تعاملات والدین با یکدیگر و با فرزندان می‌تواند در کاهش یا افزایش خشونت و پرخاشگری فرزندان مؤثر باشد.

از جمله معروفترین مدل‌های ارائه‌شده در ارتباط با نقش خانواده بر نحوه نگرش و عملکرد فرزندان، «مدل طرح‌های ارتباطی خانواده»^۳ است که از چگونگی و کیفیت ارتباط

والدین با فرزندان بحث می کند (هوانگ، ۲۰۱۰). ارائه دهندگان این مدل یعنی فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴) دو بعد جهت گیری «گفت و شنود»^۴ و «جهت گیری همنوایی»^۵ را به عنوان باورهای اساسی شناسایی کردند. این ابعاد مشخص می کنند تا چه میزان اعضای خانواده از افکار، امیال و احساسات خود سخن می گویند و آنها را با یکدیگر در میان می گذارند. در بُعد گفت و شنود، اعضای خانواده به بحث و تبادل نظر درباره موضوعات گوناگون و متنوعی تشویق می شوند و والدین با گشاده رویی به حرف های فرزندان خود گوش می دهند و احساسات و عواطف آنها را مورد توجه قرار می دهند. فرزندان خانواده های با جهت گیری گفت و شنود با برخورداری از یک فضای عاطفی گرم و آزاد می توانند از آرزوها، ترس ها و مشکلات خود صحبت کنند (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۱۹۹۷) و با میل و رغبت و به طور پیوسته با یکدیگر تعامل داشته باشند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴). این در حالی است که بُعد همنوایی بر هماهنگی محض و اجتناب از هرگونه تفاوت فکری و رفتاری، تأکید می کند و فرزندان مجبورند که حتی اگر نظر موافق نداشته باشند آرا و نظرات والدین خود را بدون چون و چرا بپذیرند و از خواسته های آنها پیروی کنند. فرزندان این خانواده ها که در جهت یکسان کردن نگرش ها، ارزش ها و عقاید خود تحت فشار قرار می گیرند، در یک فضای سلسله مراتبی، محکوم اند که بسیاری از خواسته ها و آرزوهای خویش را نادیده بگیرند و احساسات و عواطف خود را که مجال برای بروز ندارند، سرکوب نمایند (فیتزپاتریک و کوئرنر، ۲۰۰۴). بر اساس مطالعات انجام شده، هر یک از این جهت گیری ها می تواند آثار و پیامدهای خاص خود را داشته باشد.

علاوه بر این، انتظار می رود که خانواده به عنوان یک عامل حمایت کننده (عماد پور و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۵) بتواند به صورت مستقیم و نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق متغیرهایی مثل «تاب آوری»^۶ و مهارت مهار خشم، بر میزان بروز رفتارهای خشونت آمیز فرزندان مؤثر باشد. در واقع انتظار می رود که دو متغیر تاب آوری و مهارت مهار خشم بتوانند در رابطه بین طرح های ارتباطی خانواده و گرایش به خشونت، نقش میانجی ایفا کنند.

مطالعه علمی «تاب آوری» به زمانی برمی گردد که مشاهده شد تعدادی از کودکان در معرض خطر، سازگاری مثبتی با محیط خویش دارند (ماستن، ۲۰۰۱). این مطالعات به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال بودند که چگونه برخی از کودکان و نوجوانان، زمانی

که رشدشان به وسیله عواملی مانند فقر، بد رفتاری، جنگ، خشونت و نژادپرستی مورد تهدید قرار می‌گیرد می‌توانند موفق باشند و خوب عمل کنند (رایت، ماستن و نارایان، ۲۰۱۳). اشتیاق پژوهشگران برای یافتن پاسخ به این سؤال توجه به تاب‌آوری را در بسیاری از زمینه‌های پژوهشی موجب شده است (ماستن، ۲۰۱۴). در این رابطه، والش (۲۰۱۶) با اعتقاد بر این‌که تاب‌آوری فرد تحت تأثیر شبکه ارتباطی موجود در خانواده است بر دو سطح از تاب‌آوری اشاره می‌کند: یکی فردی و دیگری ارتباطی. سطح فردی به توانمندی فرد در فائق آمدن و غلبه یافتن بر مشکلات اشاره دارد و سطح ارتباطی، اشاره به‌نظام خانواده دارد و بیانگر آن است که خانواده چگونه با «تجارب مخرب»^۷ و شرایط تنیدگی‌زا مواجه می‌شود و چگونه اعضای خود را برای نوعی انطباق طولانی‌مدت آماده می‌کند (والش، ۱۹۹۶). به باور ماستن (۲۰۱۴) تاب‌آوری بیانگر ظرفیت یک نظام پویا برای سازگاری موفقیت‌آمیز با اختلال‌هایی است که عملکرد، موجودیت یا فرایند رشد آن نظام را مورد تهدید قرار می‌دهد. بر این اساس افرادی تاب‌آور محسوب می‌شوند که به‌رغم اینکه سازگاری آنها در معرض تهدیدات شناخته‌شده قرار می‌گیرد، نتایج تحولی مثبتی به دست می‌آورند (سیجتی، ۲۰۱۰؛ گلدشتین و بروکس، ۲۰۱۳).

ویژگی دیگری که انتظار می‌رود پیش‌بینی‌کننده رفتارهای خشونت‌آمیز در نوجوانان باشد، توانایی مهار «خشم» است. خشم، به‌عنوان یک حالت هیجانی که دارای پیامدهای فیزیولوژیکی مانند، افزایش ضربان قلب و افزایش فشارخون می‌باشد امکان دارد به درجات متفاوتی بروز نماید. این حالت هیجانی زمانی بروز می‌کند که فرد، خود یا افراد مهم زندگی خود را در معرض تهدید ارزیابی کند و این تهدید ممکن است واقعی، احتمالی و یا خیالی باشد (کاریون و کوردوبا، ۲۰۱۲). در برخی موارد ممکن است به‌اشتباه، دو مفهوم «خشم» و «خشونت» به‌صورت مترادف به‌کاربرده شوند. این در حالی است که، خشونت بیانگر یک «رفتار» (رایس، ۱۳۹۲) و خشم، بیانگر یک «احساس و هیجان» است که می‌تواند مقدمه یا پیش‌زمینه خشونت باشد (باس و پری، ۱۹۹۲). احساس خشم، ممکن است از جنبه‌های گوناگونی مورد توجه قرار گیرد که یکی از آنها به درک و تفسیر هیجان‌ات مربوط می‌شود. در این مورد، بزرگترها نقش محوری در رشد این توانایی ایفا می‌کنند و به نظر می‌رسد که توانایی افراد در ابراز مناسب احساس خشم، در درجه اول به شایستگی و صلاحیت والدین

بستگی دارد. والدین از طریق درک علت خشم فرزندان و ایجاد ارتباط مناسب با آنها می‌توانند فرزندان خود را در استفاده از راهبردهای مناسب یاری دهند (زیمان و شیپ من، ۱۹۹۶). در همین رابطه، دیویس (۲۰۱۰) بیان می‌دارد که نقش بزرگسالان به‌ویژه والدین در رشد پاسخ‌های انطباقی به خشم و بالا بردن ظرفیت نوجوانان در تشخیص و درک هیجانات، بسیار اساسی و محوری است.

در همین راستا، «نظریه یادگیری اجتماعی» بندورا^۱ (۱۹۷۳؛ به نقل از وولف و فوشی، ۲۰۰۳) بیانگر این است که پاسخ به خشم می‌تواند از طریق الگوسازی، آموخته شود. بر این اساس، از آنجاکه کودکان اوقات زیادی را با خانواده خود سپری می‌کنند، لذا، خانواده و روابط حاکم بر آن اولین منبع الگوسازی رفتار محسوب می‌شود. و از این‌روی کودکان می‌توانند نحوه برخورد با احساس خشم را از اعضا خانواده خود بیاموزند و در نتیجه، دارای نوعی سبک ابراز خشم خواهند بود که متأثر از شرایط خانواده شکل گرفته است.

با توجه به آنچه گفته شد و نظر به اهمیت پدیده «خشونت» در جامعه امروزی، خصوصاً در بین نوجوانان که می‌تواند تبعات غیرقابل‌انکاری در ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشد، ضروری می‌نماید که این پدیده مورد توجه جدی قرار گرفته و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن شناسایی شوند. مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که گرچه نقش خانواده در پیش‌بینی خشونت مورد توجه قرار گرفته است اما به سازوکار و چگونگی این تأثیر، توجه چندانی نشده است. علاوه بر این، پژوهشی که از میان سازه‌های مختلف مرتبط با نهاد خانواده، به‌طور مشخص رابطه طرح ارتباطی خانواده را با گرایش به خشونت، با توجه به نقش متغیرهای میانجی بررسی کرده باشد مشاهده نگردید. لذا با توجه به چنین خلأ پژوهشی، مطالعه حاضر به «نحوه تأثیر انواع ارتباطات موجود در خانواده بر گرایش به خشونت، از طریق تأثیر بر متغیرهای میانجی تاب‌آوری و مهارت مهار خشم» پرداخته است. علاوه بر این، در پژوهش حاضر با بررسی نقش میانجی‌گری مهارت مهار خشم در رابطه بین تاب‌آوری و گرایش به خشونت، سازوکار تأثیرگذاری تاب‌آوری بر گرایش به خشونت نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر مطرح می‌گردد.

۱. ابعاد طرح ارتباطی خانواده، تاب‌آوری و مهارت مهار خشم به‌صورت مستقیم گرایش

به خشونت را پیش‌بینی می‌کنند.

۲. ابعاد الگوی ارتباطی خانواده، به صورت غیرمستقیم و از طریق تاب آوری، گرایش به خشونت را پیش بینی می کنند.

۳. ابعاد الگوی ارتباطی خانواده، به صورت غیرمستقیم و از طریق مهارت مهارت خشم، گرایش به خشونت را پیش بینی می کنند.

۴. تاب آوری، به صورت غیرمستقیم و از طریق مهارت مهارت خشم، گرایش به خشونت را پیش بینی می کند.

● روش

پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است که با روش تحلیل مسیر انجام شده است. در این مطالعه، جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری همنوایی به عنوان متغیر پیش بین و گرایش به خشونت به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است، ضمن آنکه در مدل مورد بررسی تاب آوری و مهارت مهارت خشم نقش میانجی ایفا می کنند. «جامعه آماری» پژوهش را کلیه دانش آموزان دبیرستانی مشغول به تحصیل در مدارس متوسطه شهر بابلسر تشکیل می دهد که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ مشغول به تحصیل بوده اند. به منظور انتخاب اعضای گروه شرکت کننده، تعداد ۲۹۱ نفر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای، انتخاب گردیدند. دامنه سنی شرکت کنندگان بین ۱۴ تا ۱۷ سال با میانگین ۱۵/۹ و انحراف معیار ۱/۸ بود.

● ابزار

□ الف: طرح های ارتباطی خانواده تجدیدنظر شده^۹: این ابزار که توسط کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) ساخته شده است، درجه موافقت یا مخالفت پاسخ دهنده درباره ۲۶ ماده در زمینه ارتباطات خانوادگی را به شیوه لیکرتی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می سنجد. ۱۱ ماده اول مربوط به جهت گیری همنوایی و ۱۵ ماده بعد مربوط به جهت گیری گفت و شنود می باشد. کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) اعتبار ابزار را برای بعد گفت و شنود ۰/۸۹ و برای بعد همنوایی ۰/۷۹ گزارش کردند. در ایران نیز جوکار و رحیمی (۱۳۸۶) روایی و اعتبار مطلوبی برای این ابزار به دست آوردند. در پژوهش حاضر جهت تعیین اعتبار از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و برای ابعاد گفت و شنود و همنوایی به ترتیب ضرایب ۰/۷۷ و ۰/۷۶ به

دست آمد.

□ ب: **مقیاس تاب‌آوری^{۱۰} (کانر و دیویدسون)**: این مقیاس شامل ۲۵ ماده می‌باشد و توسط کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) جهت اندازه‌گیری قدرت مقابله با تنیدگی و تهدید تهیه شده است. سؤالات مقیاس به صورت ۵ گزینه‌ای بوده و به صورت ۱ (کاملاً نادرست) تا ۵ (همیشه درست) نمره‌گذاری می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس توسط سازندگان مقیاس احراز گردیده است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). *سامانی، جوکار و صحراگرد (۱۳۸۶)* ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را در دانشجویان ۰/۸۷ به دست آوردند. در پژوهش حاضر جهت اعتبار مقیاس از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب اعتبار برابر با ۰/۸۴ به دست آمد.

□ ج: **پرسشنامه سنجش مهارت‌های مهار خشم^{۱۱}**: این ابزار که توسط حاجتی، کبرزاده و خسروی (۱۳۸۷) ارائه شده است، درجه موافقت یا مخالفت پاسخ‌دهنده درباره ۸ ماده در زمینه مهارت‌های مهار خشم را به شیوه لیکرتی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌سنجد. کسب نمره بالاتر در این پرسشنامه نشان‌دهنده توانایی بیشتر در مهار خشم آزمودنی‌ها است. ارائه‌دهندگان پرسشنامه ضریب اعتبار آن را ۰/۶۰ گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر جهت تعیین اعتبار از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب ۰/۶۹ به دست آمد.

□ د: **مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی**: این مقیاس که توسط زاده محمدی، احمد آبادی، پناغی و حیدری (۱۳۹۰) ساخته شده است، درجه موافقت یا مخالفت پاسخ‌دهنده درباره ۳۸ ماده در زمینه رفتارهای خطرپذیر را به شیوه لیکرتی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌سنجد که از این میان ۵ ماده، گرایش به خشونت را اندازه‌گیری می‌نمایند. تهیه‌کنندگان این ابزار اعتبار مقیاس را برای بعد گرایش به خشونت ۰/۷۷ گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر جهت تعیین اعتبار از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب ۰/۷۹ به دست آمد.

● یافته‌ها

یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و نیز ماتریس همبستگی متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده، کنترل خشم و گرایش به خشونت در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی ابعاد الگوی ارتباطی خانواده، تاب آوری، مهارت کنترل خشم و گرایش به خشونت

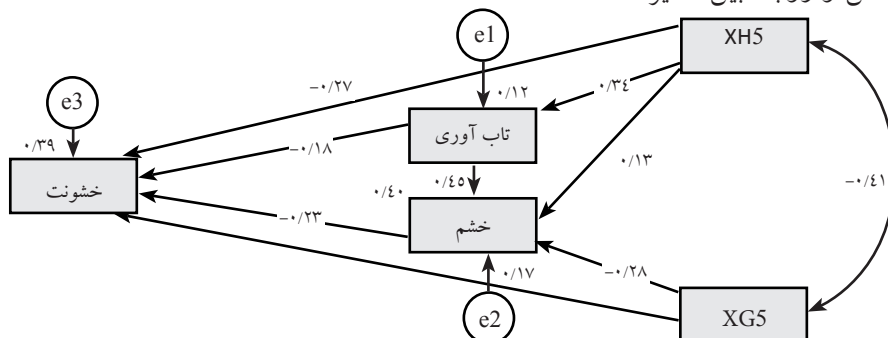
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵
۱- گفت و شنود	۴۸/۰۱	۱۳/۰۳	۱				
۲- همنوایی	۲۸/۵۰	۹/۰۶	*-۰/۴۱	۱			
۳- تاب آوری	۸۷/۰۶	۹/۹۷	*۰/۳۴	*-۰/۲۰	۱		
۴- مهارت کنترل خشم	۲۰/۰۱	۴/۲۱	*۰/۴۰	*-۰/۴۲	*۰/۵۵	۱	
۵- گرایش به خشونت	۱۵/۴۱	۲/۵۶	*-۰/۴۹	*۰/۴۱	*-۰/۴۲	*-۰/۵۰	۱

* کلبه ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند.

همانگونه که این جدول نشان می دهد، جهت گیری گفت و شنود با تاب آوری ($p=0/001$)، مهارت مهار خشم ($r=0/34$) و مهارت مهار خشم ($r=0/40$ ، $p=0/001$) دارای رابطه مثبت و معنادار و با گرایش به خشونت ($r=-0/49$ ، $p=0/001$) دارای رابطه منفی و معنادار می باشد. علاوه بر این، جهت گیری همنوایی با تاب آوری ($r=-0/20$ ، $p=0/001$) و مهارت مهار خشم ($r=0/41$ ، $p=0/001$) دارای رابطه مثبت و معنادار می باشد. همچنین، نتایج حاکی از آن است که، بین تاب آوری با مهارت مهار خشم ($r=0/55$ ، $p=0/001$) رابطه مثبت و معنی دار و با گرایش به خشونت ($r=-0/42$ ، $p=0/001$) رابطه منفی و معنی دار و با گرایش به خشونت ($r=0/41$ ، $p=0/001$) رابطه مثبت و معنی دار و با گرایش به خشونت ($r=-0/49$ ، $p=0/001$) رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. بالاخره اینکه بین مهارت مهار خشم با گرایش به خشونت ($r=-0/41$ ، $p=0/001$) رابطه منفی و معنی دار وجود دارد.

○ قبل از ارزیابی مدل، پیش فرض های رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. به همین منظور برای بررسی طبیعی بودن توزیع مانده ها از نمودار $p-p$ استفاده شد که با توجه به قرار گرفتن تمام نقاط، روی نیمساز ربع اول، مشخص گردید داده ها از توزیع طبیعی تبعیت می کنند. برای بررسی هم خطی متغیرهای پیش بین نیز از شاخصه های تحمل و عامل تراکم واریانس استفاده گردید که نتایج به دست آمده در موارد مختلف، برای شاخص «تحمل» بین ۰/۸۳۹ تا ۰/۸۵۹ و برای شاخص عامل تراکم واریانس (VIF)، بین ۱/۰۴ تا ۱/۱۹ متغیر بود که نشان می دهند بین متغیرهای پیش بین، هم خطی وجود نداشته است و بنابراین، نتایج قابل اعتماد است. پس از حصول اطمینان از رعایت پیش فرض های لازم، برای ارزیابی مدل پیشنهادی، از روش تحلیل مسیر، در محیط نرم افزار AMOS-22 استفاده شد و به منظور افزایش برازش مدل، یکی از مسیرها که ضریب آن غیر معنی دار بود حذف گردید. در شکل

۱ نمودار مسیر و ضرایب حاصل از مدل اصلاح شده آورده شده است. شکل ۱ مدل نهایی پژوهش و روابط بین متغیرها



شکل ۱. ضریب استاندارد مدل روابط ابعاد الگوی ارتباطی خانواده با گرایش به خشونت با واسطه گری تاب آوری و مهارت های مهار خشم

با ورود داده ها به برنامه AMOS-22 ، برازندگی مدل با استفاده از شاخص های برازندگی مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲، همه شاخص ها بیانگر برازش مطلوب مدل می باشند.

جدول ۲. شاخص های نیکویی برازش مدل پیشنهادی

شاخص	برازندگی مدل اولیه	برازندگی مدل اصلاح شده
مجذور خی / درجه آزادی	۸/۴۳	۱/۲۰
GFI	۰/۹۸	۰/۹۹
AGFI	۰/۹۵	۰/۹۷
RMSEA	۰/۱	۰/۰۳
IFI	۰/۹۷	۰/۹۹
CFI	۰/۹۸	۰/۹۹

○ در ادامه با در نظر گرفتن ضرایب مسیرهای به دست آمده در مدل که در جدول ۳ قابل مشاهده است، به بررسی فرضیه های مستقیم و غیر مستقیم پرداخته شده است. نتایج مندرج در این جدول حاکی از این است که: ۱- ضریب مسیر استاندارد بین جهت گیری همنوایی و تاب آوری معنادار نمی باشد بنابراین جهت گیری همنوایی به طور مستقیم در افزایش تاب آوری فرزندان اثر نداشته است. اما ضریب مسیر استاندارد بین جهت گیری همنوایی و مهارت مهار خشم برابر با ۰/۱۵- است که در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار می باشد بنابراین جهت گیری همنوایی در کاهش مهارت مهار خشم فرزندان مؤثر بوده است. علاوه بر این، ضریب مسیر استاندارد بین جهت گیری همنوایی و گرایش به خشونت برابر با ۰/۱۷

است که در سطح $0/0001$ معنادار می باشد بنابراین جهت گیری همنوایی در افزایش گرایش به خشونت فرزندان مؤثر بوده است. ۲- ضریب مسیر استاندارد بین جهت گیری گفت و شنود با تاب آوری ($\beta = 0/34, p = 0/010$)، مهارت مهار خشم ($\beta = 0/13, p = 0/000$) و گرایش به خشونت ($\beta = 0/27, p = 0/001$) معنادار بوده است بنابراین جهت گیری گفت و شنود در افزایش تاب آوری و مهارت مهار خشم و کاهش گرایش به خشونت فرزندان مؤثر بوده است. ۳- ضریب مسیر استاندارد بین تاب آوری با مهارت های مهار خشم ($p = 0/001$)، $\beta = 0/45$ و گرایش به خشونت ($\beta = -0/16, p = 0/001$) معنادار بوده است. بنابراین، تاب آوری در افزایش مهارت های مهار خشم و کاهش گرایش به خشونت فرزندان مؤثر بوده است. ۴) ضریب مسیر استاندارد بین مهارت های مهار خشم با گرایش به خشونت ($\beta = -0/23, p = 0/001$) معنادار است. بنابراین، مهارت های مهار خشم در کاهش گرایش به خشونت فرزندان مؤثر بوده است.

○ برای تعیین معنی داری اثرات غیرمستقیم از روش نمونه گیریهای مکرر «خود راه انداز» (شراوت و بولگر، ۲۰۰۲، به نقل از سلیمی و جوکار، ۱۳۸۸) بافاصله اطمینان ۹۵ درصدی توزیع نمونه گیری اثرات، استفاده شد. همان طور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، نتایج آزمون معنی داری اثرات غیرمستقیم نشان داد که سهم میانجی گری متغیر تاب آوری هم برای جهت گیری گفت و شنود ($p < 0/01$) و هم برای جهت گیری همنوایی ($p < 0/01$) معنی دار است. علاوه بر این، سهم میانجی گری متغیر مهارت های مهار خشم برای سه متغیر جهت گیری گفت و شنود ($p < 0/01$)، جهت گیری همنوایی ($p < 0/01$) و تاب آوری ($p < 0/01$) معنی دار است. همچنین، سهم میانجیگری متغیر مهارت مهار خشم برای تاب آوری ($p < 0/01$) معنی دار می باشد.

○ بررسی اثرات کل حاکی از این است که گرایش به خشونت فرزندان تحت تأثیر متغیرهای جهت گیری گفت و شنود ($\beta = -0/39, p < 0/001$)، جهت گیری همنوایی ($\beta = 0/24, p < 0/001$)، تاب آوری ($\beta = -0/27, p < 0/001$) و مهارت های مهار خشم ($\beta = 0/23, p < 0/001$) میباشد. به همین ترتیب، متغیر مهارت های مهار خشم متأثر از متغیر جهت گیری گفت و شنود ($\beta = 0/28, p < 0/001$)، متغیر همنوایی ($\beta = -0/28, p < 0/001$) و متغیر تاب آوری ($\beta = -0/27, p < 0/001$) می باشد. بالاخره این که، تاب آوری از متغیرهای

جهت گیری گفت و شنود ($\beta=0/34, p<0/001$)، تأثیر می پذیرد. محاسبه میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته، حاکی از آن است که ۱۲ درصد از تغییرات متغیر تاب آوری، ۴۰ درصد از تغییرات متغیر مهارت مهارت خشم و ۳۹ درصد از تغییرات متغیر گرایش به خشونت توسط مدل تبیین می شود.

جدول ۳. ضرایب استاندارد اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل مدل

اثر	متغیر مستقل	متغیر وابسته	
		تاب آوری	مهارت کنترل خشم
مستقیم	گفت و شنود	۰/۳۴**	۰/۱۳**
	همنوایی	-۰/۲۸**
	تاب آوری	۰/۴۵**
	مهارت خشم
غیر مستقیم	گفت و شنود	۰/۱۵**
	همنوایی
	تاب آوری
	مهارت خشم
کل	گفت و شنود	۰/۳۴**	۰/۲۸**
	همنوایی	-۰/۲۸**
	تاب آوری	۰/۴۵**
	مهارت خشم
ضریب تعیین		۰/۱۲**	۰/۴۰**

** ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند

● بحث و نتیجه گیری

○ هدف از پژوهش حاضر «بررسی پیش بینی گرایش به خشونت دانش آموزان بر اساس جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری همنوایی الگوی ارتباطی خانواده با توجه به نقش واسطه ای تاب آوری و مهارت مهارت خشم» بود. در راستای این اهداف و فرضیه های مطرح شده، یافته های پژوهش به شرح زیر به بحث گذاشته می شود.

○ نتایج نشان داد که جهت گیری گفت و شنود از الگوی ارتباطی خانواده، پیش بینی کننده منفی و معنادار گرایش به خشونت فرزندان است. این یافته بیانگر این است که احتمال گرایش به خشونت فرزندان در خانواده هایی که فضای گفتگو و تعامل سازنده بر آنها حاکم

است کمتر خواهد بود، احتمالاً به این دلیل که فرزندان چنین خانواده‌هایی می‌توانند به راحتی از احساسات و عواطف خود سخن بگویند و این امر می‌تواند بخشی از هیجانات منفی آنها را تخلیه نموده و کاهش دهد. علاوه بر این در خانواده‌های با جهت‌گیری گفت‌وشنود، فرزندان یاد می‌گیرند که مشکلات و مسائل خود را با دیگران از طریق تعامل و گفتگو حل کنند این شرایط به آنها کمک می‌کند که از یک طرف مهارت‌های ارتباطی بالاتری را تجربه کنند و از طرف دیگر در شرایط واقعی زندگی و در مواجهه با موقعیت‌های گوناگون به‌جای توسل به خشونت از گفت‌وگو و تعامل جهت رسیدن به اهداف خویش استفاده نمایند.

○ پژوهش حاضر نشان داد که جهت‌گیری هم‌نواپی به صورت مثبت و معنادار گرایش به خشونت فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در خانواده‌های با جهت‌گیری هم‌نواپی، فرزندان تابع بی‌چون‌وچرای والدین هستند و بنابراین فرصت نمی‌یابند که نظرات مخالف و مغایر خود را در موقع لزوم ابراز دارند و یا نارضایتی خود را به شکلی معقول و مهار شده نشان دهند. از این‌روی، چنین افرادی در مواجهه با چالش‌های زندگی، ممکن است به واسطه عدم توانایی در برخورد منطقی با مسائل، عنان خویش را از دست بدهند و به‌جای تعامل و گفتگو راه خشونت را در پیش گیرند.

○ در رابطه با نقش الگوهای ارتباطی خانواده با مهارت مهار خشم، نتایج نشان داد که جهت‌گیری گفت‌وشنود، پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار مهارت مهار خشم و جهت‌گیری هم‌نواپی پیش‌بین منفی و معنادار آن است. در تبیین این رابطه، می‌توان به نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۳؛ به نقل از وولف و فوشی، ۲۰۰۳) اشاره نمود که بیان می‌دارد پاسخ به خشم می‌تواند از طریق الگوسازی، آموخته شود. بر این اساس، از آنجاکه کودکان اوقات زیادی را با خانواده خود سپری می‌کنند لذا، خانواده و روابط حاکم بر آن می‌تواند به‌عنوان اولین منبع الگوسازی رفتار عمل نماید و چگونگی برخورد فرزندان با هیجان خشم را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که فرزندان خانواده‌های با جهت‌گیری گفت‌وشنود توانایی بیشتری در مهار خشم خود داشته باشند و در نقطه مقابل، فرزندان خانواده‌های با جهت‌گیری هم‌نواپی، از سبک‌های ناسالم ابراز خشم استفاده نمایند.

○ از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، توان پیش‌بینی تاب‌آوری فرزندان توسط ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بود. در تبیین این رابطه می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که بر

نقش حمایتی خانواده در رشد و تقویت تاب آوری فرزندان تأکید دارند (والش، ۲۰۱۶). والش (۱۹۹۶) با اشاره به سطح ارتباطی تاب آوری، بر این باور است که چگونگی مواجهه خانواده با تجارب مخرب و شرایط تنیدگی زا می تواند سطح تاب آوری افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

○ اما مهمترین یافته های پژوهش که سازوکار و چگونگی تأثیر متغیرهای الگوی ارتباطی خانواده و تاب آوری بر میزان گرایش به خشونت را به تصویر می کشد، با بررسی نقش میانجی گری تاب آوری و مهارت مهار خشم در رابطه بین ابعاد الگوی ارتباطی خانواده و گرایش به خشونت و نیز بررسی نقش میانجی گری مهارت مهار خشم در رابطه بین تاب آوری و گرایش به خشونت به دست آمد. به این ترتیب که:

اولاً، بعد جهت گیری گفت و شنود خانواده، هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم و از طریق متغیرهای تاب آوری و مهارت مهار خشم، گرایش به خشونت را تحت تأثیر قرار داده و آن را کاهش می دهد. در نقطه مقابل، جهت گیری همنوایی خانواده، به طور مستقیم و غیرمستقیم، موجب افزایش گرایش به خشونت می شود. گرچه، فقط متغیر مهارت مهار خشم در رابطه بین جهت گیری همنوایی با گرایش به خشونت نقش میانجی ایفا می کند و نقش متغیر تاب آوری در این رابطه معنادار نیست. این یافته بیانگر آن است که خانواده های دارای جهت گیری گفت و شنود با پرورش فرزندان با تاب آوری و مهارت مهار خشم بالا موجب کاهش گرایش به خشونت در آنها می شوند. ثانیاً، متغیر تاب آوری به صورت مستقیم و نیز از طریق افزایش مهارت و توانایی مهار خشم موجب کاهش میزان گرایش به خشونت می شود. در این رابطه می توان گفت که ویژگی تاب آوری این امکان را به فرد می دهد تا شرایط بحرانی را به خوبی مدیریت کند و در مقابله با مشکلات زندگی نه تنها جان سالم به دربرد (بونانو، ۲۰۰۴) بلکه به سطح جدیدی از تعادل و رشد مثبت (ریچاردسون، ۲۰۰۰) نیز دست یابد. به این ترتیب می توان انتظار داشت که افراد تاب آور در موقعیت های دشوار زندگی، کنترل بیشتری بر احساس خشم خود داشته و کمتر به رفتارهای خشونت آمیز متوسل شوند. با توجه به یافته های پژوهش، این ایده که می گوید پدیده خشونت، قابل پیشگیری است تقویت می شود. بنابراین، پرداختن به روابط خانوادگی معیوب و کمک به والدین در جهت افزایش مهارت های ارتباطی میتواند یکی از راه های پیشگیری از بزهکاری و خشونت در

دانش آموزان باشد.



یادداشت ها

1. violence
2. World Health Organization
3. family communication patterns
4. conversation
5. conformity
6. resilience
7. disruptive experiences
8. Bandura
9. Revised Family Communication Patterns(RFCP)
10. Resilience Scale
11. Control of Anger Questionnaire

● منابع

- جوکار، بهرام و رحیمی، مهدی (۱۳۸۶). تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۳(۴) (پیاپی ۵۱)، ۳۷۶-۳۸۴.
- حاجتی، فرشته سادات؛ اکبرزاده، نسرین؛ خسروی، زهره (۱۳۸۷). تأثیر آموزش برنامه ترکیبی درمان شناختی رفتاری با رویکرد مثبت گرایی بر پیشگیری از خشونت نوجوانان شهر تهران. *فصلنامه مطالعات روانشناختی*، ۴(۳)، ۳۵-۵۶.
- ذبیح‌اللهی، کاظم؛ غلامعلی‌لواسانی، مسعود؛ اژه‌ای، جواد (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و هوش هیجانی با خودناتوان‌سازی. *مجله روانشناسی*، ۱۶(۴)، ۳۳۹-۳۵۴.
- رایس، ف. فیلیپ (۱۳۹۲). *رشد انسان، روانشناسی رشد از تولد تا مرگ*؛ ترجمه مهشید فروغان، تهران: انتشارات ارجمند.
- زاده محمدی، علی، احمدآبادی، زهره، حیدری، محمود (۱۳۹۰). تدوین و بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۷(۳)، ۲۱۸-۲۲۵.
- سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام و صحراگرد، نرگس (۱۳۸۶). تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایت مندی از زندگی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۳(۳)، ۲۹۵-۲۹۰.
- سلیمه، عظیمه؛ جوکار، بهرام (۱۳۸۸). رابطه علی ادراک دلبستگی و آسیب‌پذیری شخصیت با احساس تنهایی در دوره نوجوانی. *دست‌آوردهای روانشناختی*، ۴(۱)، ۲۶۴-۲۴۵.
- عمادپور، لیلا؛ غلامعلی‌لواسانی، مسعود (۱۳۹۵). رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده با بهزیستی روان‌شناختی در دانش آموزان. *مجله روانشناسی*، ۲۰(۱)، ۷۵-۸۵.

- یعقوبی دوست، محمود و عنایت، حلیمه (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با خشونت خانگی نسبت به فرزندان در شهر اهواز. *پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم/اجتماعی*، ۸(۲)، ۷۸-۶۱.
- Bonanno, G. A. (2004). Loss, have we underestimated the human resilience: Thrive after extremely aversive events? *American Psychologist*, 59, 20-28.
- Buss, A., & Perry, M. (1992). The aggression questionnaire. *J. Pers Soc. Psychol.* 63: 452-459.
- Carrion, O. B., & Cordoba, U. D. (2012). Conceptualization of anger in English pop fiction stories. *Praxis*, 3(2), 1-29.
- Cicchetti, D. (2010). Resilience under conditions of extreme stress: A multilevel perspective. *World Psychiatry*, 9(3), 145-154.
- Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale. The Conner-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, 18, 76-82.
- Davis, E. L. (2010). Metacognitive emotion regulation: Children's awareness that changing thoughts and goals can alleviate negative emotions. *Emotion* 10, 498 - 510.
- Farrell, A. D., & Flannery, D. J. (2006). Youth violence prevention: Are we there yet? *Aggression and Violent Behavior*, 11, 138-150.
- Fearson, J., & Hoeffler, A. (2014). Conflict and violence. *Copenhagen Center*, 6, 1-26.
- Fitzpatrick, M. A. (2004). The family communication patterns theory: Observations on its development and application. *Journal of Family Communication*, 4, 167-179.
- Fitzpatrick, M. A., & Koerner, A. F. (2004). Family communication schema effect on children's resilience running head: Family communication schemata, the evolution key of mass communication concepts: *Honoring Jack M. Mcleod*, 115-139.
- Fitzpatrick, M. A., & Rithchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspective on family interaction. *Human Communication Research*, 20, 275-301.
- Goldstein, S., & Brooks, R. B. (Eds.). (2013). *Handbook of resilience in children* (2nd ed.). New York: Springer.
- Huang, Y. (2010). Family communication patterns, communication apprehension and soci communicative orientations. *A study of Chinese Students*, 10, 121-35.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication Studies*, 48, 59-78.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication Theory*, 12, 70-91.

- Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychology, 56*, 227-238.
- Masten, A.S. (2014). Global perspectives on resilience in children and youth. *Child Development, 85*, 6-20.
- Rice, F. P. (2001). *Human development: A life-span approach* (4th Edition). Published by Prentice Hall.
- Richardson, E. G. (2002). The meta theory of resilience and resiliency, *Journal of Clinical Psychology, 58*(3), 307-321.
- Steinberg, L. (2000). Youth violence: Do parents and families make a difference? *National Institute of Justice*. www.ncjrs.g.v
- Walsh, F. (2016). Family resilience: A developmental systems framework. *European Journal of Developmental Psychology, 13* (3), 313-324.
- Walsh, F. (1996). Family resilience: A concept and its application. *Family Process, 42*, 1-18.
- WHO, (2002). *World report on violence and health*. Geneva, World Health Organization, www. Who.int/ violence.
- Wolf, K. A., & Foshee, V. A. (2003). Family violence, anger expression styles and adolescent dating violence. *Journal of Family Violence, 18*(6), 309-316.
- Wright, M., Masten, A. S. & Narayan, A. J. (2013) . Resilience process in development: four waves of research on positive adaptation in the context of adversity . Goldstein and R.B. Brooks (Eds), *Handbook of resilience in children*. University of Minnesota, Minneapolis, MN, USA. PP 15-37.
- Zeman, J. & Shipman, K. (1996). Children's expression of negative affect: Reasons and methods. *Development Psychology, 32* (5), 842-849.

